

دجال

(رهبر دشمنان حضرت مهدی علیه السلام و عیسی الصلی علیہ وآلہ وسلم)
(در صحیح الجامع الصغیر شیخ البانی)

مؤلف: أبو أحمد معتز أحمد عبد الفتاح
مترجم: پدram اندایش

کتابفروش طیبین

www.Tayyebin.Net

۰۹۳۸۴۶۴۶۶۱۹

فهرست مطالب

۵.....	مقدمه‌ی مترجم
۷.....	مقدمه‌ی مؤلف
۸.....	دجال‌های کوچک
۱۴.....	خصوصیات دجال
۵۷.....	در برابر دجال چه کار کنیم؟

مقدمه‌ی مترجم:

به نام الله و به یاد الله و برای الله. شکر و ستایش برای الله پروردگار جهانیان است، او را حمد گفته و از او کمک می‌گیریم و از او طلب آموزش و هدایت می‌نماییم. کسی را که الله تعالی هدایت کند، گمراه کننده‌ای ندارد و کسی را که گمراه سازد، هدایت کننده‌ای ندارد. شهادت می‌دهم که معبود و پرستش شونده‌ی برحق‌ی جز الله تعالی وجود ندارد و محمد ﷺ - شمشیر در کارزار و دلسوز در دعوت - بنده و فرستاده‌ی وی می‌باشد و صلوات و سلام بر او و خاندان پاک و بر تمامی اصحابش. اما بعد:

این کتابی است درباره‌ی دجال و وقایع عجیبی که در زمان وی روی خواهد داد، همان کسی که لشکر کفر را در برابر لشکر اسلام و پیروان مهدی و عیسی علیه السلام رهبری می‌کند. از آنجا که چنین شخصی در کتابهای مربوط به آخر زمان که به زبان فارسی نوشته شده‌اند کمتر وجود دارد. بر آن شدم تا این کتاب را ترجمه کنم و در اختیار مسلمانان فارسی زبان قرار دهم.

متأسفانه به علت درگیر شدن مردم با زندگی ماشینی، عده‌ی زیادی از آنها وقتی مسأله‌ای بیان می‌شود که در آن خرق عادت وجود دارد، آن را خرافات می‌دانند. ولی باید گفت که الله تعالی بر هر چیزی تواناست و هر کاری که او بخواهد، انجام خواهد شد. چه این کار عجیب توسط بندگان شرور او صورت گیرد و چه توسط بندگان صالح. از خواننده‌ی گرامی می‌خواهم که اگر این احادیث به نظرش عجیب آمد، و نخواست آنها را قبول کند، آنها را به یاد داشته باشد تا هر وقت که کسی چنین کارهای عجیبی را انجام داد، او را پیامبر یا پروردگار نداند و به یاد بیاورد

که پیامبر ﷺ قبل از وقوع چنین حادثه‌ای چنین مسائلی را بیان فرموده است.

اصل این کتاب از کاملترین و محکمترین کتابهای حدیث می‌باشد و نویسنده‌ی آن در قبول سند حدیث به شدت سختگیری می‌کرده است و غیر از احادیثی که سند آن را حسن معرفی نموده است، بقیه‌ی احادیث این کتاب از معتبرترین احادیث می‌باشند. زندگی نامه‌ی نویسنده‌ی کتاب - شیخ آلبانی - در اینترنت به زبان فارسی موجود می‌باشد.

از الله تعالی درخواست می‌نمایم تا توسط این کتاب به من و شما منفعت برساند و آن را در پرونده اعمال صالح ما قرار دهد و من الله توفیق.

مقدمه‌ی مؤلف:

شکر و ستایش برای الله است و صلوات و سلام بر رسول الله ﷺ. این مطلبی کوتاه است، درباره‌ی دجال و آن یکی از علامت‌های قیامت کبری است. از زمانی که فرزندان آدم بر روی زمین بوده‌اند، فتنه‌ای بزرگتر از فتنه‌ی دجال نبوده است و نخواهد بود. الله ﷻ پیامبری را مبعوث نفرموده است، مگر آن که آن پیامبر امتش را از دجال برحذر داشته است و پیامبر ﷺ به ما امر فرموده است که بعد از تشهد در نماز از فتنه‌ی دجال به الله تعالی پناه ببریم و عیسی ابن مریم عَلَيْهَا دجال را در دروازه‌ای از شام به قتل خواهد رساند.

در صحیح الجامع الصغیر شیخ آلبانی احادیثی آمده است که در آنها دجال را یادآور شده است.

روش من این گونه است که احادیث را بیان داشته‌ام که تعداد آن ۶۵ عدد است و قسمتی از شرح آن را آورده‌ام. از تحقیق شیخ آلبانی خلاصه برداری کرده‌ام و شرح آن را از فتح القدر نوشته‌ی شیخ مناوی آورده‌ام. ترتیب احادیث را فقط بر اساس حروف الفبا آورده‌ام و شرحی از آن را بیان داشته‌ام.

کتاب را به این شکل تقسیم بندی کرده‌ام: دجالهای کوچک، خصوصیات دجال و چگونه در برابر دجال موضع گیری کنیم؟ منهج صحیح در برخورد با این فتنه به مانند تمامی فتنه‌های دیگر است و آن التزام داشتن به قرآن و سنت به فهم پیشینیان صالح رحمهم الله است و باید با رجوع به علماء صورت گیرد. احادیث:

دجال های کوچک

۱- «فِي أُمَّتِي كَذَّابُونَ وَدَجَّالُونَ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ مِنْهُمْ أَزْبَعُ نِسْوَةَ إِيَّانِي خَائِمٌ النَّبِيِّنَ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» (در امت من سیار دروغگویان و دجالهایی خواهند آمد که تعداد آنها بیست و هفت نفر است و چهار نفر از آنها زن می باشند و همانا من تمام کننده‌ی پیامبران هستم و پیامبری بعد از من نخواهد بود). (صحیح): ۴۲۵۸ در صحیح الجامع.

شرح: «فی اُمتی» به این معنا که در امت من آشکار می گردد. «کذّابون» صیغه‌ی مبالغه از «الکذب» (دروغ) است، آن خبری است که با واقعیت مطابقت ظاهری ندارد و تناقضی با زیاد شدن دروغ در قرن چهارم ندارد، زیرا منظور از آن زیاد بودن دروغ است که صیغه‌ی مبالغه بودن بر آن دلالت دارد و در روایتی آمده است: تمامی آنها بر الله [تعالی] و فرستاده‌اش دروغ می‌بندند.

«ودجالون» افراد حيله‌گر هستند و منسوب به «الدجال» (فریب) هستند، آن ظاهر نمایی به امور خیر است که توسط کسانی صورت می‌گیرد که در دروغ گفتن زیاده روی می‌کنند. آنها را جدا نموده است تا به مبالغه‌ی آنها در دروغگویی هشدار دهد و این که در این زمینه نهایتی وجود ندارد و ظاهراً منظور این است که «الدجال» وقتی به صورت جمع می‌آید، منظور علم جنس است و اگر مفرد باشد، اسم علم می‌باشد و وقتی عیسی عليه السلام نازل می‌شود به شریعت پیامبر ص حکم می‌کند.

۲- «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقْتَتِلَ فِتْنَانِ عَظِيمَتَانِ دَعَوَاهُمَا وَاحِدَةٌ وَلَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يُبْعَثَ دَجَّالُونَ كَذَّابُونَ قَرِيبًا مِنْ ثَلَاثِينَ كُلُّهُمْ يَزْعُمُ أَنَّهُ رَسُولُ اللَّهِ» (قیامت برپا نمی‌شود تا آن که دو گروه بزرگ [از مسلمانان] که دعوت [و هدف] آنها یکی است با یکدیگر می‌جنگند و قیامت برپا نمی‌شود تا

آن که دجالها و کذابهایی که تقریباً سی نفر هستند اعلام موجودیت می کنند و هر کدام از آنها می پندارد که فرستاده‌ی الله [تعالی] است. (صحیح) ۷۴۱۷ در صحیح الجامع.

۳- «يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ دَجَالُونَ كَذَّابُونَ يَأْتُونَكَم مِّنَ الْأَحَادِيثِ بِمَا لَمْ تَسْمَعُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ فَيَأْتِيَكُمْ وَإِيَّاهُمْ لَا يُفْضِلُونَكُمْ وَلَا يَفْتَنُونَكُمْ» (در آخر زمان دجالها و کذابهایی می آیند که بری شما حدیث روایت می کنند که [آن احادیث] را نه شما شنیده‌اید و نه پدرانتان، شما را از آنها بر حذر می دارم که شما را گمراه نکنند و شما را به فتنه نیاندازند). (صحیح) ۸۱۵۱ در صحیح الجامع.

۴- «غَيْرُ الدَّجَالِ أَخْوَفُ عَلَيَّ مِنْ الدَّجَالِ الْأَيْمَةَ الْمُضِلِّينَ» (غیر از دجال برای اتمم از دجالی بیشتر می ترسم که همان امامان گمراه کننده می باشند). (صحیح) ۴۱۶۵ در صحیح الجامع.

شرح: «غیر الدجال أخوف علی امتی من الدجال» أبو البقاء گفته است: ظاهر لفظ بر این دلالت دارد که ترس بر چیزی غیر از دجال وجود دارد و معنای حدیث این نمی باشد که من برای اتمم از چیزی بیشتر از دجال می ترسم. در آن دو تأویل وجود دارد، یکی از آنها جمله بدون مبتدا بوده و «أخوف» خبر مبتدای محذوف است به این معنا که غیر از دجال من از چیز دیگری می ترسم و دوم: «أخوف» منسوب به غیر دجال است و آن ترس شدیدی [از طرف من] بر اتمم می باشد. همان گونه که گفته می شود: «فلانته طالق» به این معنا که آن زن طلاق داده شده است.

«الأئمة المضلین» ابن العربی گفته است: این منافاتی با حدیث دیگری که بزرگترین فتنه و آزمایش دجال است نمی باشد، زیرا سخنش ﷺ در اینجا بر غیر دجال قرار گرفته است و فقط به اصحابش ﷺ فرموده است: زیرا چیزی که من از آن برای شما می ترسم، چیزی نزدیکتر از آن است و

امر نزدیک، یقین بیشتری دارد که واقع شود تا آن که امری بزرگتر در فاصله‌ی زمانی بیشتر رخ دهد، حتی اگر شدیدتر باشد.

۵ — «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا هُوَ أَخْوَفُ عَلَيْكُمْ عِنْدِي مِنَ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ؟ الشَّرْكُ الْخَفِيُّ أَنْ يَوْمَ الرَّجُلِ يُصَلِّي فَيَزِينُ صَلَاتَهُ لِمَا يَرَى مِنْ نَظَرِ رَجُلٍ» (آیا شما را به چیزی خبر دهم که برای شما از آن بیشتر از مسیح دجال می‌ترسم؟ شرک خفی است: آن این است که مردی می‌ایستد و نماز می‌خواند و نمازش را زیبا می‌کند تا مردی [دیگر] به آن بنگرد). (حسن) ۲۶۰۷ در صحیح الجامع.

۶ — «إِنَّ السَّاعَةَ لَا تَقُومُ حَتَّى يَكُونَ عَشْرُ آيَاتٍ: طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا، وَالِدَّخَانُ، وَالِدَّجَالُ، وَالذَّابَّةُ، وَثَلَاثَةُ خُسُوفٍ: خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ، وَخَسْفٌ بِالْمَغْرِبِ، وَخَسْفٌ فِي جَزِيرَةِ الْعَرَبِ، وَنَزُولُ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ، وَفَتْحُ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ، وَنَارٌ تَخْرُجُ مِنْ قَعْرِ عَدْنٍ تُسَوِّقُ النَّاسَ إِلَى الْمَحْشَرِ فَتَبِيَّتْ مَعَهُمْ حَيْثُ بَاتُوا وَتَقِيلُ مَعَهُمْ حَيْثُ قَالُوا» (قیامت برپا نمی‌شود تا آن که ده نشانه بیاید: طلوع خورشید از مغرب، دود، دجال، دابۀ الارض. سه خسوف: خسوف در مشرق، خسوف در مغرب و خسوف در شبه جزیره‌ی عربی، نازل شدن عیسی [علیه السلام]، فتح یاجوج و ماجوج و آتشی که از پایین‌ترین قسمت عدن ایجاد می‌شود و مردم را به سوی محشر می‌راند، هر کجا که شب نشینی کنند با آنها شب‌نشینی می‌کند و با آنها قیلوله^۱ می‌کند هر کجا که قیلوله کنند). (صحیح) ۱۶۳۵ در صحیح الجامع.

شرح: «إِنَّ السَّاعَةَ» به معنای قیامت است. «لَا تَقُومُ حَتَّى تَكُونَ» به معنای آن است که ایجاد می‌شود و کامل می‌گردد. «عَشْرُ آيَاتٍ» (ده نشانه) تعداد علامتها خیلی بیشتر است، همان گونه که در احادیث دیگر آمده است و

^۱ - خواب نیمروزی (مترجم)

اینجا به طور خلاصه فقط ده عدد از آنها ذکر شده است، زیرا بزرگترین موارد می‌باشند. «الدخان» (دود) با تخفیف بدل از ده مورد و خبر مبتدای مجذوف است و در روایتی آمده است: شرق و غرب را پر می‌کند. «والدجال» از ماده‌ی «الدجل» و او جادوگر می‌باشد و به نام «المسیح» است زیرا او در زمانی کم، نواحی زمین را سیاحت می‌کند. «والدابة» موجودی است که امر را برای مؤمن روشن می‌کند و بر بینی کافر می‌زند.

«وثلاثة خسوف» (سه خسوف) خسوف جمع خسف است و خسف مکانی است که همه چیز در زمین فرو می‌رود و در آن پنهان می‌شود. «خسف بالمشرق و خسف بالمغرب و خسف بجزیره العرب» منظور مکه، مدینه، یمامه و یمن است و این بر اساس حکایتی است که مالک رضی الله عنه بیان داشته است و به جزیره‌ی عربی نام گذاری شده است چون آن را دریای هند و دریای سرخ و دجله و فرات فرا گرفته‌اند. «ونزول عیسی» علیه السلام از آسمان به زمین است که تمامی امور در آن زمان عادلانه می‌گردند. «وفتح یاجوج و مأجوج» جلوی آنها را گرفتن می‌باشد و آنها گروهی از انسانها هستند. «ونار تخرج من قعر عدن» (و آتشی که از قعر منطقه‌ی عدن ایجاد می‌شود) قعر به معنای پایین‌ترین و کم ارتفاع‌ترین قسمت آن است. در المصباح گفته شده است: «قعر» پایین‌ترین قسمت چیزی است و عدن به معنای شهری در یمن است و قعر آن دورترین جای آن است. «تسوق الناس» در روایتی «ترحل الناس» و در دیگری «تطرد الناس» آمده است. «إلی المحشر» محلی که مردم حشر می‌شوند تا به حساب و کتاب آنها رسیده شود و آن شام است.

خطابی گفته است: این قبل از قیامت رخ می‌دهد و آن وقتی است که مردم در شام زنده می‌شوند و این از حدیثی دیگر برداشت شده است.

«تَبِيتَ مَعَهُمْ حَيْثُ بَاتُوا وَتَقِيلُ مَعَهُمْ حَيْثُ قَالُوا» این حشر شدنی دیگر است و آخرین علامت می‌باشد، همان گونه که در صحیح مسلم آمده است و همچنین حدیثی آمده است که بر خلاف تأویلی که صورت گرفته است، می‌باشد. ابن حجر رحمه الله تعالی گفته است: از مجموع آثاری که آمده است، این قول ارجح است که نشانه‌های نخستین، هشدار به تغییر حالتهای عالم زمینی و آمدن دجال و نازل شدن عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ و خارج شدن یاجوج و مأجوج است و تمامی آنها قبل از طلوع خورشید [از مغرب] است و قسمت بعدی آن هشدار به تغییر عالم بالاست که شامل طلوع خورشید از [مغرب] و خارج شدن دابۀ الارض در آن روز یا نزدیک آن است و اولین علامت قیامت، آتشی است که از مشرق خارج می‌شود.

۷- «ثَلَاثٌ إِذَا خَرَجْنَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا وَالدَّجَالُ وَدَابَّةُ الْأَرْضِ» (سه چیز هستند که اگر اتفاق بیافتند، دیگر نفعی به ایمان کسی که از قبل ایمان نیاورده است نمی‌رساند یا آن که [نمی‌تواند] با ایمانش [از آنها] طلب خیر نماید: طلوع خورشید از مغرب و دجال و دابۀ الارض). (صحیح) ۳۰۲۳ در صحیح الجامع.

شرح: «ثلاث إذا خرجن» به معنای آن است که آشکار شوند. «لا تنفع نفساً إيمانها لم تكن آمنت من قبل أو كسبت في إيمانها خيراً طلوع الشمس من مغربها» اگر کسی قبل از آن کافر باشد، وقتی طلوع صورت می‌گیرد، ایمان او به وی سودی نمی‌رساند و همچنین است وضع مؤمنی که قبل از آن عمل صالح انجام نداده باشد، زیرا حکم ایمان و عمل به آن، مثل حکم آنها به زمان نزدیک شدن مرگ است. «والدجال» به معنای ظهور اوست. «ودابۀ الأرض» به معنای ظهور آن است و اگر گفته شود:

این سه همزمان اتفاق نمی‌افتد و اگر یکی از آنها اتفاق بیافتد ایمان شخص سودی به وی نمی‌رساند، پس حکم بقیه آنها چه می‌شود؟ می‌گوییم: امری که برداشت می‌شود این است که بعد از دیده شدن هر کدام از این سه مورد، ایمان آوردن شخص نفعی به او نمی‌رساند و هر کدام زودتر اتفاق بیافتد، از آن زمان به بعد، ایمان آوردن سودی نمی‌دهد.